انواع ارتکاز:

ارتکاز متعلّق به عمل؛ ارتکاز متعلّق به فکر

حاج آقا فرمودند:«**فان رجحان التأخیر عندهم امر منکر**[1]»، نفرمودند فان التأخیر. این کلمات اینجا مهم است. اگر می‌فرمودند فان **التأخیر** عندهم امر منکر فرق می‌کرد با اینکه می‌فرمودند فان **رجحان التأخیر**. یک وقتی است ارتکاز متشرعه را نسبت به مواجهه‌ی اذهان متشرعه با یک عمل می‌سنجیم. یک وقتی ارتکاز متشرعه را در مواجهه‌ی آنها با یک فکر، با یک مطلب، با یک درک، با یک ایده می‌سنجیم. حاج آقا رفتند سراغ ارتکاز متشرعه نسبت به آن رجحان. رجحان که کار خارجی نیست. رجحان، یک حکم است برای یک عمل. مطلب ذهنی است. این ها واقعا از حیث دقت کار، تفاوت می‌کند.

حتی یک کسی که خودش، نمازش را عقب می‌اندازد،چون شیعه هست یک نحو خجالت در دلش هست که نمازم را عقب می‌اندازم؛ به خلاف اینکه سینه‌اش را مه سپر کند بگوید من از آن هایی هستم که دم غروب نماز می‌خوانم؛ احسنت بر خودم. حاج آقا می‌فرمایند این طور نیست. عمل، یک چیز است، اما شارع با او کاری کرده می‌گوید نه، نماز را هر چه زودتر بخوان، بهتر است.

ارتکاز جهت گیری

مسئله برده داری

حال غیر از ارتکاز فکری، ارتکاز جهت گیری هم خیلی مهم است. گاهی آن مجموعه‌ی ادله که یک چیزی را ایجاب می‌کند، فقط یک ایده را ، به متشرعه می‌دهد؛گاهی یک جهت‌گیری را به متشرع می‌دهد. مثلا متنجس، منجّس است یا نیست؟ بگویی ارتکاز متشرعه این است که متنجّس منجس نیست. این مانعی ندارد؛این یک فکر است. یک فکر منفرد. اما در مسأله عتق رقبه،یک سؤال ساده: شارع، مدافع بردهداری است یا نه؟ این همه بیانات دارد، یک جا بیاوری که شارع بگوید من با بردهداری مخالفم، یا یک جا بگوید مدافعم. می‌گویی‌م نصی این طور پیدا نمی‌کنی‌م.

یک کسی می‌گوید دیگر گناهی بالاتر از اباق نیست. بندهای که از مولایش فرار بکند ؛عبارات روایی، بسیار شدید است در حرمت اباق[2]؛ یک بندهای از مولایش فرار بکند. خب معلوم است شارع مدافع بردهداری است، وقتی روایت به این تندی می‌گوید بنده فرار بکند، گناهکار عظیم است. صرف این استدلال،بس است؟ من عرض می‌کنم نه. شارع در موضع‌گیری‌ِ جهت‌دار‌ِ درازمدت‌ِ خودش، با بردهداری موافق نیست ؛جهت‌گیری، یک امری غیر از عبارت است. کاری کرده در مجموع‌ِ عبارات شرعیه و ادله شرعیه که هر کس همه را می‌بیند می‌گوید نه، جهت‌گیری شارع ، در رفع این امر است [3]. اگر هم استشهاد کنید به اینکه استرقاق دارد، اباق حرام است، کبیر است ، می‌گوید

منافاتی ندارد. اینقدر ارتکاز قوی است. یعنی ارتکاز طوری نیست که خدشه در آن بکنیم؛ ارتکاز، ناخودآگاه است. ناخودآگاه یعنی چه؟ یعنی از مجموع آمده، نه اینکه استاد آورده باشد، کلاس آورده باشد، خودش فکر کرده باشد. اصلاً این طور نیست. مجموع، آن نظام را به صورت ناخودآگاه آورده است.

می‌گویی ما از مجموع ادله، می‌فهمیم که اسلام جهتگیری‌اش برای رفع بردهداری است ولو احکامی دارد برای مدیریت که با بردهداری در نیفتند که یک نظام و روال اقتصادی را بخواهد زیر و رو بکند. این طور کار نکرده، اما جهتگیری او به سوی این بوده که این‌ها آزاد بشوند. خب این جهتگیری غیر از آن است که متنجّس، منجّس است. آن یک فکر است، اما این یک رویکرد، استراتژی است. یک نحو شروع کار، پایان کار و مدیریت روند کار است. این را که از ادله شرعیه دست بیاوری،خیلی مهمتر است از اینکه بگویی ارتکاز متشرعه بر یک امر منفرد است. و شارع در کلمات خودش، انواع و اقسام همه‌ی این‌ها را دارد.

حضور زنان

[4].

کسانی بودند، چسبیده به مسجد، خانه‌ها نزدیک بود. همه هم همدیگر را می‌شناختند، جایی نبود بیرون بروند. چه کسی نماز جمعه را اقامه می‌کرد؟ اوّل شخص عالم وجود؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله. در عین حال می‌گویند: ای زنی که چسبیده به مسجدی، می‌خواهی نماز جمعه بیایی، بیا؛ اما واجب نیست. این جهتگیری. آیا امنیت ندارد؟ امنیت دارد. باب النساء داشتند. مسجد همه می‌آمدند .یک چیز ممنوع نبود. عین همان که به جماعت می‌آمدند، ترغیب هم برای جماعت بود،در مورد نماز جمعه هم بگویند زن‌ها هم بیایید. اما به خصوص استثناء می‌کنند، نه زن‌ها! نیایید. مسأله، امنیت نبود.

آن چیزی که همه شیعه نقل می‌کنند از حضرت صدّیقه سلام الله علیها . حضرت نگفتند امنیت دارد. می‌گویی نبینند. بالاترین چیز این است که :« **لا یَرَیْنَ الرجال و لا یراهن الرجال**[5]» ای آن‌که حضرت فرمود: «**مسجد المرأة بیتها**[6]». لسان را ببینید. همان ثواب مسجد را دارد. پس جهتگیری شارع برای چیست؟ برای اینکه بیرون بیایند یا در خانه باشند؟ ارتباطات در حال توسعه باشد، یا ارتباطات انقباضی باشد ؟ به سوی «در خانه»؛ برای اینکه بیشتر محدود باشد.

---

[1] بهجه الفقیه،ص ۸۶

[2] محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن محمد بن خالد و الحسين بن سعيد جميعا عن القاسم بن عروة عن عبد الحميد عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر ع قال: ثلاثة لا يقبل الله عز و جل لهم صلاة أحدهم العبد الآبق حتى يرجع إلى مولاه. (الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج6 ؛ ص ۱۹۹)

[3] آن كه در اسلام برنامه و مقررات دارد، آزادي است يعني موجبات فراهم آوردن آزادي بردهٔ.(فقها هم بابي كه در اين مورد قرار دادهاند كتاب العتق است و نه كتاب الرقّ.رقّ يعني بردگي و عتق يعني آزادي.)اگر قبول كنيم كه اسلام بردگي را جايز شمرده، [به اين صورت است كه] هيچ گاه اين حالت

ادامه ندارد زيرا وقتى كه بردگان تحت نفوذ تربيتى مسلمين قرار گرفتند پس از چندى خود به خود آزاد مى‌شوند.

اوّلاً خود بندهٔ آزاد كردن بهترين عمل خير شمرده مى‌شود كه ضرباالمثل است؛ وقتى بخواهند راجع به موضوعى مبالغه كنند مى‌گويند تو ثواب بندهٔ آزاد كردن دارى. دوم اينكه كفارهٔ بعضى از اعمال را بندهٔ آزاد كردن قرار داده است. از اينها بالاتر اين است كه يكى از مصارف بيت‌المال را آزاد كردن بنده قرار داده است و اين جزء وجوه عمومى است: إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ» يعنى در راه گردنها؛ يعنى گردنهايى كه قيد مملوكيت روى آنها هست آزاد كنى. يكى از مسائلى كه در اسلام هست اين است كه حكومت اسلامى از وجوه عمومى بگيرد و بردهها را آزاد كند زيرا بردگان غنائم جنگى عدهاى را تشكيل مىدادند و نمىشد مفت از آنها گرفت.

حكومت توصيه مىكند كه او آزاد كند، اگر آزاد نكرد پول مىدهد و آزاد مىكند. در دوران عمر بن عبدالعزيز اين برنامه عمل شد و مقدارى از بيت‌المال براى آزادى بردگان به كار رفت.

همچنين اسلام بعضى موارد را موجب آزادى خود به خود بردگان قرار داد؛ مىگويد اگر بردهاى قسمتى از آن آزاد شد اين آزادى به تمام قسمتهاى او سرايت مىكند. مثلاً اگر يك نفر يك عُشر بردهٔ خود را آزاد كرد تمام او آزاد مىشود و او نمىتواند وى را خريد و فروش و به ديگرى منتقل كند. راههايى را باز گذاشته و توصيه كرده است.(مجموعه آثار استاد شهيد مطهرى ؛ ج30 ؛ ص468-۴۶۹)

[4] سؤال يكى از دوستان حاضر در جلسه درس

[5] و روي عن علي ع قال: كنا عند رسول الله ص فقال أخبروني أي شيء خير للنساء فعيينا بذلك فانطلقت فاطمة ع فأخبرتها الذي قال لنا رسول الله ص و ليس أحد منا كلنا حتى تفرقنا فرجعت إلى فاطمة ع فأخبرتها الذي قال لنا رسول الله ص و ليس أحد منا علمه و لا عرفه فقالت و لكني أعرفه خير للنساء أن لا يرين الرجال و لا يرونه الرجال فرجعت إلى رسول الله ص فقلت يا رسول الله سألتنا أي شيء خير للنساء و خير لهن أن لا يرين الرجال و لا يرونه الرجال قال من أخبرك فلم تعلمه و أنت عندي قلت فاطمة فأعجب ذلك رسول الله ص و قال إن فاطمة بضعة مني.(كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) ؛ ج1 ؛ ص۴۶۶)

[6] و روي أن خير مساجد النساء البيوت و صلاة المرأة في بيتها أفضل من صلاتها في صفتها و صلاتها في صفتها أفضل من صلاتها في صحن دارها و صلاتها في صحن دارها أفضل من صلاتها في سطح بيتها و تكره للمرأة الصلاة في سطح غير محجر.(من لا يحضره الفقيه ؛ ج1 ؛ ص ۳۷۴) و قال ص صلاة المرأة وحدها في بيتها كفضل صلاتها في الجامع خمسا و عشرين درجة.(مكارم الأخلاق ؛ ص ۲۳۳) و قال الصادق ع- خير مساجد نسائكم البيوت. (من لا يحضره الفقيه ؛ ج1 ؛ ص ۲۳۸)

مرحوم آيت الله بهجت نيز در پاسخ به سوالى در اين زمينه مى فرمايند:

سؤال: در رواياتِ هست كه براى زن عيادت مريض نيست،ولى مردها مىتوانند بروند عيادت زنها اين سرّش چيست؟

آقا: تستّر در زن و عدم خروج در زن معلوم است، واضحات است.(درس خارج اصول، تاريخ ۲۲/۲/۱۳۸۸)

بازبينى #1
ايجاد شده 22 مه 2025 13:57:41 توسط ... .
به روزرسانى شده 22 مه 2025 14:01:48 توسط ... .